



مهدی طالقانی می‌گوید این بحث‌ها سیاسی نیست، درد دل است

ژن من آنقدرها هم خوب نیست

۱۵



حامد عسکری از ملزومات راننده تاکسی شدن می‌گوید

خودآموز بحث با مسافران

۱۳



کرسی‌های آزاداندیشی زرد و بسته پیشنهادی‌شان به روایت علیرضا راقتی

تریبون‌های مردمی

۱۴



علی‌رستگار: اگر نامزد ریاست جمهوری رادر تاکسی ببینید، چه می‌گویید؟

نفسش گرفت از این شهر

۱۵

پنجشنبه ۶ خردادماه ۱۴۰۰ ■ شماره ۵۹۴۸

۱۳

هفتک‌جام‌جم

ویژه‌نامه آخر هفته ■ جام‌جم ■ شماره هشتم ■ ۴ صفحه

«هفتک جام‌جم» چهار صفحه ویژه از روزنامه جام‌جم است. جایی که قرار است هر آخر هفته دور هم بنشینیم و راجع به موضوعی که در زندگی روزمره درگیر آن هستیم و کمتر به آن فکر می‌کنیم، صحبت کنیم. آخر هفته‌ها با «هفتک جام‌جم» همراه باشید. موضوع این شماره: «بحث در تاکسی»



اگر می‌خواهید از آخرین تحولات جهان با خبر شوید تاکسی‌سوار شده یا این شماره «هفتک جام‌جم» را بخوانید

مکعب زرد دموکراسی

پیک تاکسی در حال مسافرتی برای یک اتفاق خبر در حال تکمیل کردن اسطوخودوس | مجید آژار | جام‌جم

راننده تاکسی شدن به جز گواهینامه و انصاف و مردانگی، ملزومات دیگری هم دارد

خودآموز بحث با مسافران جور واجور

■ پهلوانان نمی‌میرند

اگر خطی هستتید و توی ایستگاه توقف دارید تا پر شوید، باید چندکار را حتما انجام بدهید. لنگ از دستتان نیفتد، از لذت مشکی کردن لاستیک با نوشابه سیاه غافل نشوید، گردن همکاراتان را بگیرید و روی گل‌گیر جلو یا عقب خمش کنید.

■ بیابان‌ها و حومه

توی راه چند تا برج و ساختمان شیک و نو، چندتا میدان تره‌بار و چند بیمارستان را نشان کنید، صحبت گرانی و ترافیک و شلوغی که شد به تناسب یکی‌شان را نشان بدهید و بگویید این برج رو می‌بینی... زمان ما هزارمترش رو قسطی می‌دادن ۵۰هزارتومن... ولی گردنم بشکنه، پولم داشتم، رفتم ترکیه کنسرت ابرام تاتلیس. فقط یک نکته‌ای که این‌جا وجود دارد این است که حواست را جمع کنی هر بار که این خاطره را تعریف می‌کنی به روح و روان خود آسیب نرسد. یاد آن اشتباهی که کردی نیستی و دوباره در خود فرو نروی. بی‌خیال باش. گذشته‌ها گذشته. فقط این خاطره را هر بار برای مسافرها تعریف کن و از کنارش بگذر.

■ کارخانه‌دار باش

روسری، پیچ، ناخنگیر، لاستیک یا زه یخچال مهم نیست. مهم این است کارخانه‌دار باشی.. دقت کن... تو این جایگاهت نبوده و نیست، تو یک کارخانه داشتی، یک بی‌شرقی پیدا شده جنس‌ها را برده و چک‌ها به نام تو بوده، خدا رحم کرده قبول کرده و تو الان بیرونی... این قسمت را بر اساس دیده

■ کار خودشونه

شما مجبورید به روز باشید. اسامی مسئولان کشور و نهادهای را باید حفظ باشید، خیلی بعید و محال ممکن است دو مسافر را در دو روز یک جا سوار کنید. همان برج‌ها و ساختمان‌ها را هر روز به نام یکی از آنها یا بچه‌هایشان بکنید و اگر مسافری سوالی تخصصی‌تر پرسید لب بگزید و بگویید دیگه بقیه‌شو صلاح نیست بدونی.

■ من هم شنیده‌ام

این می‌گن یا می‌گفت را که بگذاری قبل از هر جمله‌ای می‌ترکانی. از عهده تو هم خارج شده، دقت کنید. همین پیش پای شما مسافرم می‌گفت، یه چوپون یه معدن طلا پیدا کرده اطراف سنندج ۲۴عیار... می‌گفت ۲۴ساعت نشده پسر وزیر با پرواز رفته اونجا چک کشیده و گفته مال من. اگر مسافرتی گفت: نه بابا! فوری بگو توی گوشیش فیلمش داشت.

■ از زردقناری به کلیه واحدها

تو از همه خبرها باید خبر داشته باشی. از واکسن کرونا، از

ماسک‌های مسموم، از کارگاه همبرگر با گوشت خر تا فروش جرینگی بخش زیادی از ایران به چین، تو باید خبر داشته باشی در جزایر چهارگانه ایران چه خبر است، فلذا از فجایز غافل مباش. مدام اخبار را از هر کانال و منبعی که هست چک کن. مهم نیست چقدر آن منبع موثق باشد، تو که مسئول صحیح یا غلط بودن خبر نیستی. می‌توانی خبر را با ذکر منبع بازگو کنی و کسی هم خرده نخواهد گرفت.

■ رجوع به سنت‌ها

از روی لوکیشن رفتن، افت لاتی دارد. اسم قدیم خیابان‌ها را حفظ کنید. قیمت لاستیک، روغن، شمع و واسکازین زمان‌های قدیم را به قرون حفظ باشید و این جمله از زیانتان نینفتد، ۱۰سال پیش همین راه مسیر رو می‌اومدم بیس‌پینزار.

■ فردین هنوز نمرده

توی رزومه‌ات برگرداندن یک کیف پر از دلار و طلا و سکه و پیورو را به صاحبش داشته باش. در ادامه خاطر نشان کن اون گاو بوده به تو انعام و شیرینی نداده و با این جمله تا شب مخ مسافرت را خونی کن: جان من، مهندس تو بودی برمی‌گرداندی؟ تو کار بزرگی کرده‌ای. بگذار همه این کار بزرگ را بدارند. حتی اگر احسان علیخانی تو را به برنامه‌اش دعوت نکرد و رضوانی در بیست و سی از تو گزارش نگرفت، تو خودت خودت را معرفی کن و بگذار به گوش همه مسئولان و بعضی اختلاسگران برسد که تو چه انسان شریفی هستی. بلکه کمی به خودشان بیایند.

■ رزق حلال

شوخی بس است دیگر، زبان روزه... توی سرما، توی گرما، کم زحمت ما را نکشیده‌اند، پولش را گرفته‌اند؟ تو خودت مخث می‌کشد روزی ۱۰ساعت کلاچ دنده کنی؟ با مردم دمخورند، خوش‌اخلاقند اکثرا و امین جان و مال و ناموس مردمند، خوب‌های صنفشان اینقدری هستند که بدهایشان به چشم نیایند.

■ هر بار این در رو محکم ببند نرو

برای تو تاکسی، تاکسی است. برای او دفتر کارش است. محل کسب رزقش است. عقب نشستی‌ای و توی سوراخ‌های بینی‌ات دنبال میدان میعانان نفتی هستی، روکش بدبخت گناهی نکرده، توی ماشین‌شان می‌نشینی نوکر پدرت نیستند که وردار بگذارند. بنده خدا جای پدرت را دارد قبل از بیچ چپت یک لطفاً بگذار. کرایه‌ات را از قبل حاضر کن. دستور نداشت‌نده. سر ۵۰ه‌تومن پول خرد نداشتن، خودت را خون ننداز. پیاده هم که می‌شوی در را یواش ببند و از رانندگی خویش تشکر کن.

■ عرضم تمام

گرانی، کرونا، انتخابات، خاموشی برق و این اواخر گرما و گرما، آستانه تحمل‌مان را خیلی پایین آورده، شکننده شده‌ایم و زود جوش می‌آوریم... همدیگر را بلند باشیم و مراعات حال هم را بکنیم راه دوری نمی‌رود. جان به جانمان کنند ایرانی هستیم و دلمان برای هم ضعف می‌رود.



حامد عسکری
.....
شاعر و نویسنده‌ای
که صفحه
اینستاگرامش
اندازه ورزشگاه آزادی
تماشاچی دارد

■ الهی به امید تو

زلزله که شد آمدم تهران. مجرد بودم، دانشجوی‌ام از شما چه پنهان که غریبه نیستید، شبیه ۹۰درصد دانشجوی‌های ایران، شپش توی جیب‌هایم آفتاب مهتاب بالانس می‌زد. یک وقت‌هایی توی پول شهریه که هیچ، جای بین کلاس‌ها هم می‌ماندم. یک روز حسین رفیق‌م که هرکجا هست خدا یا به سلامت دارش دید دمغم... پرسید چه مرگته و عرض کردم پول-بی‌پولم. لبی گزید و فکری کرد و گفت گواهینامه داری؟ داشتم. گفت: اوکی. پس فردایش بعد از کلاس گفت برویم دم خانه‌شان. مادرش آمد پایین. یک کیف مدارک و یک سوئیچ داد به من. ماشین مامانش بود. زن، مهربان و مادرانه گفت شب‌ها با ماشین مسافرت‌کنی کن. باک پر تحویل بگیر، باک پر تحویل بده. درصد هم نمی‌خواهم و این زیست سه‌ماهه من بود در دنیای جذاب راننده تاکسی بودن. یک وقتی حالا یادم بندازید قصه‌های آن سه‌ماهه را هم برایتان بنویسم. این مقدمه طولانی را نوشتم که بگویم خودم این شغل شریف را دوست دارم و تجربه‌اش کرده‌ام و اگر شوخی با شاغلان این صنف می‌کنم صرفاً برای این است که لبخندی به لب هموطنانمان بنشانیم. فرض می‌کنیم شما یک تاکسی‌سمند زرد خرید‌اید و قرار است در خیابان‌های تهران رانندگی کنید. این شغل هم مثل بقیه شغل‌ها، یک لم‌هایی دارد که به اختصار عرض می‌کنم.

